

شیراز و شیریار

به کوشش:

اطهر میری بهرمی

www.ketab.ir

سرشناسه : شهریار، محمدحسین، ۱۳۸۵-۱۳۶۷.
 عنوان و نام پدیدآور : شیراز و شهریار/ به کوشش اطهر میری جهرمی
 مشخصات نشر : رندان قلم، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۸۰-۷-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص ۷۹-۸۰.
 موضوع : شعر فارسی-قرن ۱۴
 موضوع : شیراز-شعر
 شناسه افزوده : میری جهرمی، اطهر، ۱۳۴۸-، گردآورنده
 رده بندی کنگره : ۱۶ ۱۳۹۲ / PIR ۸۱۲۵
 رده بندی دیویی : ۸۹۱/۶۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۹۳۵

انتشارات

 Rندان-e Qalam
 Publication

رندان قلم

عنوان کتاب: ♦ شیراز و شهریار
 به کوشش ♦ اطهر میری جهرمی
 نوبت چاپ ♦ اول- رقی- تابستان ۱۳۹۲-۸۰ ص
 حروفچینی ♦ آیشن کامپیوتر
 لیتوگرافی ♦ بابک
 چاپ ♦ اعظم
 صحافی ♦ امین
 طراح روی جلد ♦ فرید مختاری پور
 تیراژ ♦ ۱۰۰۰ جلد
 شابک ♦ ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۸۰-۷-۸
 قیمت ♦ ۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۳	شیراز و شیرازیان
۱۵	ای شیراز
۱۶	سیه چشمان شیرازی
۱۷	شیراز
۱۸	در حافظیه شیراز
۲۰	تقدیم به شب شعر شیراز
۲۳	تخت جمشید
۲۵	تخت جمشید (۱)
۳۱	تخت جمشید (۲)
۳۵	پند داریوش

۳۶	پیروزی اهرمن
۳۷	شهر ارواح
۳۷	ابوالهول زمان
۳۷	صحنه‌های عبرت
۳۹	قتلگاه مدنیت
۳۹	در پرده سینما
۴۰	ساختن تخت جمشید
۴۱	اسکندر مقدونی در تخت جمشید
۴۲	اشگ و داع
۴۳	شروع جنایت
۴۳	سوختن تخت جمشید
۴۴	شهر بیدار میشود
۴۵	نوحه سرائی پیرزن
۴۶	سایه روشن مهتاب
۴۶	تابلوی جشن‌ها و بار عام داریوش
۴۹	درتده روز
۴۹	افرشته شب
۵۰	روایای شب
۵۵	سعدی
۵۷	در بارگاه سعدی
۵۹	سحر بیان سعدی
۶۰	سعدی سرای
۶۳	حافظ

بارگاه حافظ.....	۶۵
فال حافظ.....	۶۵
تویی حافظ؟.....	۶۶
خلوتی با خواجه.....	۶۷
حافظ جاویدان.....	۶۸
حافظ در ابدیت.....	۶۹
دعوت از شهریار به شیراز.....	۷۰
در آرامگاه حافظ.....	۷۴
خدا حافظ، حافظ.....	۷۷
منابع و مأخذ.....	۷۹
دست خط شهریار.....	۸۰

مقدمه

شهر آشوب شیراز را در ادبیات فارسی جایگاهی است بس بلند و رفیع. گویی خاک این شهر را با عشق بیخته و با هنر آمیخته‌اند و شعر را چون خون در رگ‌هایش جاری ساخته‌اند و ... از این رو هر گاه ادیبی به این قطعه از بهشت گذری کرده است شعری سروده و گوهری سفته است.

در این میان آخرین سلطان ملک می فروشان «شهریار» را با شیراز قرباتی است بس قوی چنانکه نقل می‌کنند در اواخر عمر قصد داشته است رخت به شیراز افکند و ... ولی دست تقدیر برایش رقمی دیگر زد و رفت به شهر خود تا شهریار خود باشد اما هیچوقت دل از شیراز نکند و همیشه چون کبوتری عاشق بر بارگاه حافظ و سعدی مرغ دلش پر زد و گوام این مدعا ابیات شیرین و شور انگیزش در ارتباط با شیراز و سعدی و حافظ می‌باشد از این رو به مصداق:

خوشر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

نسبت به جمع این ابیات شورانگیز اقدام شد تا هم ادای دینی باشد به شهرمان شیراز که در آن بالیده‌ام و هم ذکر خیری از استاد شهریار که او را به ملک ادب سرزمینمان حقی است غیرقابل انکار ...

شرح یکی از سفرهای استاد شهریار به شیراز از کتاب «خاطرات شهریار با دیگران»، برگه دیگری از این دفتر خواهد بود تا خواننده گرمای را بهتر در فضای فکری اشتیاق شهریار به شیراز قرار دهد هر چند که آتش این عشق از ابیات بلند تخت جمشیدش پیداست و عجیب‌تر آنکه او تخت جمشید را ندیده بود که اینگونه در وصفش سروده بود.

به قول آن ادیب «یکی از عجائب هنر مرحوم شهریار نقاشی‌های خیالی اوست، که چنان با قلم موی خیال صحنه را می‌آراید که گوئی سال‌ها جایی یا چیزی را از نزدیک دیده و یا حادثه‌ای را که رخ داده به عینه مشاهده کرده است هر کس شعر تخت جمشید شهریار را بخواند باور نخواهد کرد که شهریار تا آن روز اصلاً تخت جمشید را ندیده است و تصور خواهد نمود که شهریار در زمان ساخته شدن تخت جمشید بوده و مشاهده کرده که تانسی چگونه سوار بر شانه اسکندر تخت جمشید را آتش می‌زنند این شاهکار را چنان پرورش داده که انسان را متأثر کرده و یک مرتبه اشک از چشمانش سرازیر می‌شود»

از تخت جمشید که بگذریم دربارگاه سعدی‌اش شیراز را پناه اهل دل شیراز علین طراز می‌خواند و چه دردها که با سعدی و شیراز بازگو نمی‌کند گویی از سر درد به شیراز به پناه آمده است تا اختی از این دیر خراب آباد بیاساید و به بارگاه حافظ که می‌رسد گوی خود را در حریم وصال یار می‌بیند که می‌سراید:

وصل است رشته سخنم به جمال راز ز آن در سخن نصیام ز راز می‌دهند
و آن گاه که می‌خواهد از حافظ جدا شود اینگونه ناله خود را ساز می‌کند که:

به تودیع تو جان می‌خواهد از تن شد جدا حافظ

به جان کندن وداعت می‌کنم حافظ خدا حافظ

و امید آنکه شیرازیان را از ذکر خیر شهرشان حظی پدید آید و میهمانان این قطعه از بهشت را وجدی برای عزم سفری دوباره به شیراز